



Social Harms Resulting from the Gap between the Mosque and Society

Davoud Rahimi Sajasi¹

Received: 03/04/2021

Accepted: 10/06/2021

Abstract

The current paper seeks to examine the relationship between social harms and the mosque as a symbol of religion. Social harms in contemporary Iran are the continuation of global harms that modernity has been its main reason. Therefore, religion and the mosque, which had a preventive role in the face of social harms, have lost their special function of repelling harms and have been shrunk to functions for removing the harms due to diminishing their presence in the contemporary era. This paper aims to draw a phenomenological approach to mosques in the contemporary era and its method of research is documentary and descriptive-analytical. The findings show that mosques have historically played the ideal, jihadist, and civic role in the absence of modern specialized institutions or functional dysfunction of society. However, with the expansion, invasion of the civilizational, cultural, and media harms, there is a need for an ideal response from the same specialized institutions, of course with an Iranian-Islamic model. In case of urgency and need for the role of the mosque, strengthening the facilities, equipment and setting appropriate budgets in the mosques are considered necessity and introduction to establish a balanced confrontation, otherwise the expectation of removing and treating harms from mosques is illogical and requires the acquittal of modernity.

Keywords

Society, mosques, social harms, modernity, secularism.

1. Assistant Professor, Department of Sociology, Shahed University, Tehran, Iran. d.rahimi@shahed.ac.ir.

* Rahimi Sajasi, D. (1400 AP). Social Harms Resulting from the Gap between the Mosque and Society.

Journal of Islam and Social Studies, 8(32), pp. 8-26.

DOI: 10.22081/jiss.2021.60577.1788

آسیب‌های اجتماعی برآیند شکاف مسجد و جامعه

داود رحیمی سجاسی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۰۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۱۴

چکیده

این نوشتار درصدد پاسخ به نسبت آسیب‌های اجتماعی با مسجد به‌مثابه نماد دین است؟ آسیب‌های اجتماعی در ایران معاصر، استمرار آسیب‌های جهانی هستند که تجدد منجر به آن شده است و لذا دین و مسجد که نقشی پیشگیرانه در مواجهه با آسیب‌های اجتماعی داشتند، با کم‌رنگ شدن حضور در دوره معاصر، کارویژه دفع آسیب‌ها را از دست داده و به کارکردهای رفع آسیب‌ها تقلیل یافته‌اند. هدف از این مقاله، ترسیم رویکردی پدیدارشناختی نسبت به مساجد در دوران معاصر است و روش تحقیق اسنادی و توصیفی - تحلیلی می‌باشد. نتایج نشان می‌دهد، مساجد اگرچه در طول تاریخ با فقدان نهادهای تخصصی مدرن و یا اختلال کارکردی ساختار جامعه، نقش جهادی و مدنی مطلوب را ایفا کرده‌اند، اما با گستره و هجوم تمدنی و فرهنگی و رسانه‌ای آسیب‌ها، اولاً نیاز به پاسخ مطلوب از سوی همان نهادهای تخصصی، البته با مدلی ایرانی - اسلامی است و در صورت اضطرار و نیاز به نقش مسجد، تقویت امکانات، تجهیزات و بودجه مناسب در مساجد یک ضرورت و مقدمه است تا مواجهه‌ای متوازن برقرار شود و الا این انتظار رفع و درمان آسیب‌ها از مساجد، بدون منطبق بوده و مستلزم تبریته مدرنیته است.

کلیدواژه‌ها

جامعه، مسجد، آسیب‌های اجتماعی، تجدد، سکولاریزم.

۱. استاد یار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه شاهد، تهران، ایران. d.rahimi@shahed.ac.ir

۱. استاد یار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

✻ رحیمی سجاسی، داود. (۱۴۰۰). آسیب‌های اجتماعی برآیند شکاف مسجد و جامعه. فصلنامه علمی - پژوهشی

DOI: 10.22081/jiss.2021.60577.1788

اسلام و مطالعات اجتماعی، ۸(۳۲)، صص ۸-۲۶.

بیان مسئله

جهان جدید در شرایطی به وقوع پیوست که مقدمات آن؛ یعنی محوریت عقل با دوره روشنگری مورد اقبال واقع شده بود. عملکرد غلط نهاد کلیسا و محتوای تحریف شده کتاب‌های آسمانی رایج، منجر به اتخاذ سیاست‌های غیرمنطقی و غیرعقلانی، به ویژه مخالفت با علم شده بود که روشنفکران و نخبگان غرب را به چالش جدی با این مسئله واداشت. از سوی دیگر، عملکردهای حیرت‌آور و رو به رشد علوم تجربی در درمان بیماری‌های ناگوار و یا پیشگیری از آنها و همچنین پیشرفت‌های تکنولوژیک علوم مهندسی و ریاضی در حدی بود که علوم انسانی را نیز ذیل علوم تجربی و مهندسی و متأثر از زیست‌شناسی، ریاضی، فیزیک و هندسه، در حوزه روش و یافته‌ها قرار داد. پیامد این تحولات علمی و سیر قهقرایی و غیرمنطقی کلیسا و اربابان آن و برخی گزاره‌های تمسخرآمیز کتاب مقدس تحریف شده، زمینه‌های به حاشیه رفتن کلیسا به عنوان یکی از نمادهای عینی دین در غرب را ایجاد کرد و بسترهای سکولاریزم و عدم مداخله دین در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی مهیا شد. اگرچه تعمیم این تحولات به ایران مصداقی نداشته و بی‌اعتبار است؛ زیرا اساساً در ایران، نه مساجد عملکرد دیکتاتورمآبانه کلیسا را داشتند و نه روحانیت ضد علم بود و نه قرآن کریم تحریف شده بود، اما در عین حال، فرایند جهانی شدن و بالاخص در دوران جدید و به مدد رسانه‌ها و در قالب دهکده جهانی، فرهنگ مدرن سکولار، تقریباً به همه جهان سرایت کرده است.

به عبارت دیگر، آنچه نسبت به جامعه و دین در مغرب زمین در دوران معاصر به ذهن تبادر می‌کند، تعامل این دو در گفتمان سکولاریستی است که کلیسا را در حاشیه جامعه و خانواده نگاه داشته است. این تلقی جدایی دین و جامعه که رویکرد قالب روشنفکران دینی الهام گرفته از غرب است، با تجربه تاریخی در اسلام و مسجد در صدر اسلام تا زمان حاضر همخوانی نداشته و بلکه مغایرت نیز دارد؛ اگرچه مسجد نیز بسان هر نهاد یا سازمان یا واقیعت اجتماعی در طول تاریخ و متأثر از فرهنگ‌ها، دستخوش تغییرات در ابعاد معماری و حتی تمایزات در کارکردهاست.

دشواری فهم مسجد به ذواب‌بودن آن بازمی‌گردد؛ از جهتی نردبان و ریسمان برای قرب خداوند است، و از سویی، حلقه واسط برای خدمات مدنی و جامعه و حکومت اسلامی است و همچنین جهت شناخت مسجد در جامعه معاصر که نظم نوین جهانی و مدرنیته با وساطت ابزارهای ارتباطی نوین، سرتاسر جهان را درنوردیده است، گریزی از شناخت تجدد نداریم؛ زیرا مسجد در این محیط مدرن محاط شده است و هرگونه تعاملات با افراد این جامعه متأثر خواهد شد. در نوشتار حاضر، شناخت مسجد مطلوب یا از منظری الهیاتی و یا مختصات مساجد صدر اسلام، مدنظر نیست، بلکه درصدد شناخت مسجد ناظر به جامعه معاصر و در زمینه و به شکل انضمامی و نه انتزاعی و با رویکردی پدیدارشناختی هستیم. همچنان‌که به نظر می‌رسد کارکردها و کارویژه‌های منتسب به مسجد در هر دوره‌ای، متأثر از فرهنگ و قدرت و ناظر به شرایط تاریخی و اجتماعی و سیاسی تعریف و یا تغییر می‌کنند و البته برخی کارویژه‌ها نیز (بر مبنای ذات‌گرایی) ثابت می‌مانند و تغییرناپذیرند.

مواجهه جامعه غربی با کلیسا، بستر مناسبی برای فهم مواجهه با دین در کانون تجدد می‌باشد. از شاخص‌های جامعه معاصر غربی، گذر از سنت به مدرنیته، تجربه انقلاب ارتباطات و اطلاعات و مهاجرت گسترده به شهرها می‌باشد و از طرفی؛ نهادهای خانواده و آموزش و پرورش و رسانه‌ها هر کدام با تحولات عدیده کمی و کیفی، فرایند جامعه‌پذیری را در این کشورها شکل می‌دهند و حکومت‌ها نیز در قالب اشاعه فرهنگی و دموکراسی و حقوق بشر و آزادی، در تلاش‌اند تا سایر کشورها و فرهنگ‌ها را نیز به سوی ارزش‌های غربی سوق دهند. بسط و گسترش رسانه‌های مدرن به سرتاسر جهان و همچنین ایران، جامعه ما را نیز دچار پیامدهای مدرنیزاسیون کرده است که تاریخ این اشاعه تا قبل از انقلاب قابل ردیابی است و همچنین در ایران تمامی تحولات اجتماعی و سیاسی مرتبط به دین قابل تأمل است؛ زیرا مذهب و دین، یکی از عناصر هویتی ایرانیان است و لذا ما با نخله‌های سکولار و لائیک و مذهبی مواجه هستیم که در تأیید یا کم‌رنگ جلوه‌دادن هویت مذهبی کوشیده‌اند. بعد از انقلاب اسلامی و پیدایش حکومت مبتنی بر دین، مذهب مجدداً به محور تحولات بازگشت و در تمامی

عرصه‌های زندگی و حیات جامعه ایرانی حضور یافت و لذا مسئله ارتباط حکومت با مسجد و مدیریت و کارکردهای آن و موضوعاتی مانند: دین دولتی، مسجد حکومتی و اقبال یا کاهش مشارکت مردم در مسجد مدنظر قرار گرفت.

جامعه معاصر ایران؛ اگرچه با انقلاب اسلامی، داعیه سیری مخالف با تکامل جهانی را مطرح می‌کرد، اما به‌طور طبیعی، از تحولات و پیامدها و استلزامات جهان معاصر نیز متأثر بود و لذا آسیب‌های اجتماعی که در جهان غرب به موازات تحولات (مدرنیته) اتفاق افتاده بود و از طرفی؛ قبل از انقلاب نیز سیستم پادشاهی بستر مناسبی برای این تغییرات را مهیا کرده بود و بعد از انقلاب نیز اگرچه تعطیلی دانشگاه‌ها و سینماها، حکایت از فهم آسیب‌های تجدد داشت، اما در استمرار با جنگ تحمیلی و بعد از آن نیز دوره سازندگی و همچنین تحریم‌ها، فرصت این دقت‌ها را از نخبگان و جامعه ایرانی ربود و آسیب‌های اجتماعی نه به‌شدت غرب و شرق عالم و لکن در حدی ظاهر شد، که از مسئله اجتماعی به آسیب اجتماعی و بحران تبدیل شوند و لذا متولیان جامعه، بالاخص رهبر معظم انقلاب، دستور تشکیل کارگروه آسیب‌های اجتماعی را مطرح کردند. از طرفی دیگر، دین و مذهب بالاخص با رویکردی شیعی که با همه آسیب‌های اجتماعی حتی در شکل و اندازه مسئله اجتماعی نیز زاویه داشت و همواره انواع نواهی و اوامر را در گزاره‌های فقهی و اخلاقی صادر می‌کرد، به‌عنوان مرجع حل مسئله و مشکل مدنظر قرار گرفت و بالتبع، مساجد به‌عنوان نهاد و سازمان دین مورد توجه قرار گرفتند. در نوشتار حاضر به‌دنبال پاسخ به این سؤالات هستیم که چه نسبتی بین مسجد و آسیب‌های اجتماعی وجود دارد؟ آیا دفع یا رفع آسیب‌های اجتماعی کارویژه یا کارکرد مساجد است؟ آیا مساجد، موظف به پاسخ و ارائه راه‌حل به آسیب‌هایی هستند که جهان مدرن و تجدد آن را به‌وجود آورده است؟ آیا مساجد با امکانات حداقلی، توان‌مندی مقابله با آسیب‌های اجتماعی در طراز جهانی را دارد؟

فهم جایگاه مسجد در جامعه معاصر و واکنش آن به شرایط تجدد از منظری پدیدارشناسانه نقطه‌ی ثقل این نوشتار است که در ضمن آن به پرسش‌های مذکور، پاسخ داده خواهد شد.

۱. مفهوم‌شناسی مسئله و آسیب‌های اجتماعی

یکی از شاخه‌های جامعه‌شناسی، بررسی مسائل اجتماعی است که به شناخت و تحلیل بحران‌های اجتماعی می‌پردازد. در این شاخه، نگرش رایج، کارکردگرایانه بوده و تاکید اصلی در تشخیص و تحلیل مسائل اجتماعی، ارزش‌های اجتماعی پذیرفته‌شده از سوی مردم است؛ ارزش‌های مطلق که معمولاً متعلق به دین هستند و ارزش‌های نسبی یا اجتماعی که تابع شرایط زمانی و مکانی هستند. برای یک جامعه‌شناس، کمیت، موضوعیت دارد، اما برای یک عالم دینی، فقدان این نکته از اهمیت مسئله نمی‌کاهد. اما در جامعه دینی ایران، یک جامعه‌شناس بومی نمی‌تواند به انحرافات دینی؛ حتی اگر به بحران تبدیل نشده باشند، بی‌توجه باشد. صرف‌نظر از وجود مشکلات و نابهنجاری‌های معمول در جوامع - که در جامعه‌شناسی با عنوان آسیب‌های اجتماعی مشخص می‌شود - آنچه که بحران اجتماعی یا به زبان تخصصی، مسئله اجتماعی نامیده می‌شود، به قرن نوزدهم در غرب و قرن بیستم در کشورهای در حال توسعه بازمی‌گردد. تا قبل از این؛ اگرچه فقر گسترده و مرگ‌ومیر و بیماری‌ها و ظلم حکام وجود داشته است، اما عمده‌ی افراد اجتماع، این امور را طبیعی، اجتناب‌ناپذیر و جزء جدایی‌ناپذیر زندگی در دنیا می‌دانستند و با تفکری تقدیری آن را توجیه می‌کردند. بحران اجتماعی و صنعتی از جایی آغاز شد که انسان‌ها به مدد تحولات فنی، صنعتی و معرفتی نسبت به محیط اجتماعی حساس شده و حاضر نشدند این سرنوشت محتوم قلمدادشده را بپذیرند. در این دوران، بیش از وسعت و کمیت و دامنه مشکلات، خودآگاهی و علم به اصل مشکل و راه حل آن و طبیعی و تقدیری نبودن آن، بیش از هر چیز در بروز مشکل اجتماعی نقش ایفا می‌کرد. بی‌تردید پیش از این دوران، اندیشمندان و فیلسوفان این خودآگاهی را داشتند، اما چون این احساس آنها فردی بوده و افراد اندکی پیدا می‌شدند که با آنها همدلی داشته باشند، لذا به تلقی بحران اجتماعی تبدیل نشده و نهایتاً امری نابهنجار یا نادرست تصور می‌شد. بنابراین پیش‌فرض اصلی تحقق بحران اجتماعی در جامعه‌شناسی، ذهنیت تعمیم‌یافته افراد یک جامعه نسبت به یک معضل است و به تعبیر دیگر، خودآگاهی عمومی مردم از یک امر نابهنجار است (معیدفر، ۱۳۷۹، صص ۶۵-۶۸).

۲. سکولاریزم و کلیسا

در فرایند سکولاریزم، اندیشه و عمل و نهادهای دینی، اهمیت اجتماعی‌شان را از دست می‌دهند و هم‌چنان که در آثار کنت، وبر، مارکس، تایلر، فریزر و فروید تاکید شده است که از اهمیت دینداری نیز در این فرایند کاسته می‌شود و در سطح اجتماعی نیز با تقلیل کارکردی نهادهای دینی و کاهش تأثیر آن در سیاست و آموزش و جامعه مواجه خواهیم بود (به نقل از شجاعی‌زند، ۱۳۸۰، صص ۱۴۹-۱۷۰ و هملتون، ۱۳۸۹، صص ۱۴۷ و ۲۷۹). سکولاریزم با مدرنیته آغاز و در زمان حاضر نیز تقریباً جهانی شده است. مؤلفه‌های مدرنیته؛ مانند: شهرنشینی، صنعتی شدن، عقلانیت و تکثرگرایی دینی منجر به کاهش اهمیت دین و نهادهای دینی شده است (فینک و استارک، ۲۰۰۳، ص ۹۸). مدرنیته همچنین از سویی دیگر، با تفکیک‌پذیری نهادی و تخصصی شدن و تقسیم کار، کارکردهایی را که در گذشته توسط کلیسا یا سازمان‌های دینی انجام می‌شد، به مراکز تخصصی با فرم و محتوایی سکولار سپرد؛ اگرچه تخصصی شدن به لحاظ منطقی به معنای دین‌زدایی نیست، اما منجر به کاهش کارکردهای دینی کلیسا و مرکز دینی می‌شود؛ حتی امور قضایی و آموزشی نیز که می‌توانستند جهت‌گیری دینی داشته باشند، کانون‌هایی مستقل و متمایز از نهاد دین شدند، به طوری که در مقطعی با حجاب دانش‌آموزان نیز مقابله شد. اگرچه سکولاریزم و به حاشیه‌راندن دین و کلیسا، الزاماً به معنای کاهش اهمیت دین بین مردم و یا جامعه نیست (شجاعی‌زند، ۱۳۸۰، ص ۱۵۲). و چه بسا صرفاً تصمیمی حاکمیتی و سیاسی و نه دموکراتیک و مبتنی بر تمایل مردم باشد و لذا اقدام به بازسازی و استقرار کلیساها و مساجد و همچنین انتظارات عدیده از این مراکز و تأسیس تشکل‌های گوناگون ذیل آنها، از حیات این نهادهای مقدس خبر می‌دهد. علاوه بر اینکه کلیساها و همچنین مساجد، نقش مهمی در جنبش‌های اجتماعی جدید داشته‌اند؛ مثل: جنبش لغو تفکیک اتوبوس‌های سیاهان و سفیدپوستان و یا نفی تبعیض نژادی توسط لوتر کینگ که کلیسا نقش به‌سزایی داشت. همچنین کلیساها، معابد و مساجد در چند دهه گذشته، مکانی برای گردهمایی مردم و سخنرانی رهبران و گردآوری اعانه و کمک‌های مالی و برقراری ارتباط با گروه‌ها و سازمان‌های دیگر برای فعالیت‌های

اجتماعی و سیاسی اند. مانند: جنبش ضد سقط جنین و جنبش های عدالت خواهانه (حیدری و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۸۹).

سازمان ها، نهادها و اصناف مذهبی، ماهیتی فرهنگی و نمادی دارند و همین ویژگی آنها را از سازمان های سکولار و غیر مذهبی متمایز می سازد. به عبارتی، فرهنگ و محیط پیرامون و ارزش های دینی این مراکز را متأثر می کند؛ در حالی که یک نهادی اداری و بوروکراتیک صرف، این اقتضائات محلی چندان بر آن حاکم نیست. فرایندهای تأثیرگذار در مراکز مذهبی؛ از جمله ارتباط با انجمن های داوطلبانه، کالج های مذهبی و سازمان های خیریه و مردم نهاد در نهادهای غیر مذهبی چندان حضوری ندارند. همچنین مراکز مذهبی در مقابل مدیریت متمرکز و هم شکل شدن؛ برخلاف سازمان های غیر مذهبی مثل بیمارستان ها مقاومت می کنند. تصور تاریخی و ایستا از مراکز دینی به مثابه نهادهای سنتی راه گشا نبوده و باید تحولات و تغییرات این مراکز مدنظر قرار گیرد؛ اگرچه تاکید بیش از حد بر ابعاد اجتماعی مراکز دینی، کارکردهای دینی و اعتقادی و جنبه های روان شناختی و فردی را کم رنگ خواهد کرد. مراکز مذهبی نهادهایی هستند که عهده دار تعاملات مذهبی و هویت سازی دینی و اعتقادی بوده و فضاسازی برای ظهور کنش ها و رفتارهای دینی را بر عهده گرفته اند. در این مراکز از مجرای آیین ها، مناسک و فعالیت های مذهبی و مقدس روایت هایی از زندگی ساخته می شود که تعلقات مذهبی بر آن حاکم است.

موسیقی، غذا، لباس های آیینی خاص، نیایش ها، کتاب ها، متون، تصاویر، معماری، نشانه ها و نمادها به مثابه دستورالعمل برای تمامی ابعاد حیات فردی و اجتماعی است. تجویز این هنجارها حتی در تلقی فرد از خود و سلامتی و آراستن نیز اثر دارد. مطالعه جنبه های معماری و هنری و یا بررسی تاریخی و مطالعه موردی در مطالعات محققین قابل بررسی است، اما با اهمیت سیاسی اسلام توجه به این کانون بیشتر شد؛ اگرچه قبل از این تمرکز، کنجکاوی های علمی منجر به این می شدند که بیشتر تمرکز بر متون مرتبط استوار شود تا نهادهای دینی؛ مثل: مسجد، موقوفات، مدارس علمیه و حتی ابعاد معماری و هنری مساجد هم عطف به ابعاد سیاسی و اجتماعی مورد توجه قرار گرفت

که متأثر از نظریه‌های قدرت و دین و سیاست بود. اما گسترش اسلام در غرب و تأسیس مساجد فراوان توجه محققان غربی به موضوع مسجد را مضاعف کرد؛ زیرا پارادوکسی برای حکمرانی در غرب ایجاد کرده بود. از طرفی، مسجدسازی با ساختار سکولار مسیحی اروپا و غرب ناسازگار بود و از طرفی ممانعت از آن با منافع مسلمانان مهاجر متضاد بود. در این کشورها، مسجد منجر به چالش بین ناسیونالیزم و سیاست چندفرهنگ گرایبی شده بود.

۳. کالبدشناسی محیطی مسجد

مسجد، مکانی محوری است که در اطراف آن، اغلب مجموعه‌ای از مراکز مانند: درمانگاه، مدارس علمیه، پایگاه بسیج و.. و داخل مساجد نیز نیایش، مناسک دینی و آموزش و تعالیم دینی و قرائت نماز و.. جریان دارد.

در مساجد اولیه و صدر اسلام؛ چون اعراب عربستان بادیه‌نشین و عشایر بودند و از اقتضات این گونه زندگی بی‌آلایش، سادگی و فاصله با هر گونه تجمل و تشریفات بود و لذا مساجد این دوره نیز این مختصات ساده‌گزینی را در خود داشتند و همین فرهنگ، امکان برپایی نماز در هر مکان پاک و غیرغصبی را مهیا می‌کرد و وجوه مادی و فیزیکی اهمیت کمتری داشت. عطف به هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی اسلامی که امر دنیوی و اخروی تفکیک‌ناپذیر است و حتی در توصیلات نیز امکان جزای تعبدیات جاری است، این عدم‌توجه متمایز به تجمل و تشریفات مادی و ظاهری توجیه‌پذیر است.

بر همین مبنا و عدم تفکیک‌پذیری ساحت عقبی و دنیا، مسجد در کنار کارویژه‌های اخروی و نیایشی، می‌تواند کارکردهای دنیوی و اجتماعی نیز داشته باشد و به هر دو جامه جزای تعبدی بپوشاند. لذا در سنت و تاریخ اسلامی، مسجد همیشه مرکزی مذهبی، سیاسی و اجتماعی بوده است و کارکردهای نیایشی و غیرنیایشی را همزمان داشته و حتی مساجد شب و روز باز بودند و به مسافران و بی‌خانمان‌ها و توبه‌کاران پناه می‌دادند؛ اگرچه در طول تاریخ، شدت و حدت این خدمات در نوسان بوده است (باقی، ۱۳۸۱، ص ۲۴۱ به نقل از: محمدی، ۱۳۸۱).

۴. سنخ‌شناسی: مسجد در چنبره گفتمان‌های سنتی و سکولار

۴-۱. مسجد در صدر اسلام

مسجد در عصر پیامبر، علاوه بر محل عبادت، اعتکاف، اقامه نماز جماعت، تعلیم و تعلم، خطابه و سخنرانی، مرکز ترویج اسلام نیز بود؛ بدین معنا که وقتی مجاهدان اسلام سرزمینی را فتح می‌کردند، مسجدی در آنجا می‌ساختند و شروع به تبلیغ و ترویج اسلام می‌کردند و همچنین معمولاً تلاش می‌کردند مسجدی را در بلاد کفر بسازند تا بذر اسلام در آن سرزمین شکوفا شود و یا در آخرین حد و سرحدات مرزهای کشورهای اسلامی که در مجاورت کشور کفر قرار داشت، مسجد می‌ساختند تا بدین ترتیب ندای اسلام به داخل مرزهای کفر راه یابد و در آنها تأثیر گذارد (محرمی، ۱۳۷۹، صص ۱۴۷-۱۴۸). مسجد به‌مثابه جایگاه بی‌پناهان و دورافتادگان از وطن نیز مورد استفاده قرار می‌گرفت و از همان آغاز، مسلمانانی که به مدینه می‌آمدند و مکانی برای خود نداشتند، در مسجد می‌ماندند و حتی پیامبر نیز مکانی را برای غریبان به نام «صفه» اختصاص داده بودند. همچنین مداوای محرومان و مجروحان نیز در مسجد انجام می‌شد؛ زیرا در زمان پیامبر و عصر خلفا، مکان عمومی برای مداوای بیماران وجود نداشت. کارکرد دیگر مسجد، قضاوت و داوری بود. پیامبر ﷺ و حضرت امیر علیه السلام در مسجد قضاوت می‌کردند. تا اواسط قرن هشتم در دمشق، مکانی توسط ملک عادل نورالدین زنکی برای قضاوت اختصاص یافت و بعد از او، ایوبیان در مصر این کار را تعقیب کردند تا اینکه در تمام شهرها و بلاد اسلامی این کار معمول شد (محرمی، ۱۳۷۹، صص ۱۵۶-۱۵۷). استقبال از هیئت‌های خارجی کارکرد دیگری بود که مساجد داشتند. رسول خدا در مسجد از هیات‌های خارجی استقبال می‌کرد و دستور داد در همان جا برای آنها خیمه‌ای برپا کنند و از آنها پذیرایی نمایند و حتی مجلس شورا و اردوی سپاه نیز در زمان پیامبر در مسجد انجام می‌شد (محرمی، ۱۳۷۹، صص ۱۵۸-۱۵۹).

۴-۲. رویکرد سنتی

در گفتمان سنتی که از قرآن کریم، روایات و سیره معصومین علیهم السلام شکل گرفته

است؛ کارویژه‌هایی نیز برای مسجد در نگاهی تاریخی و متناسب با نیازها و شرایط صدر اسلام تعریف شده است و تعمیم برخی کارکردها به همه زمان‌ها قابل قبول است. مسجد در این رویکرد، هدف اصلی‌اش تبلیغ و ترویج آموزه‌های دینی است و نهادی مقدس با کارکردهای اجتماعی متنوع و عدم تفکیک‌پذیری نهادی است که همه امور اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و.. از طریق آن صورت می‌گیرد؛ همچنان که در صدر اسلام این جایگاه را داشته است. در این نگرش فاصله‌ای بین مردم و مسجد وجود ندارد و همه فعالیت‌ها می‌تواند رنگ قداست بگیرد و بنابراین نوع کالبد و فیزیک مساجد نیز ذوابعاد و چندکارکردی معماری می‌شود. در اینکه این نگرش در دوران جدید، امکان بازتولید یا بازسازی دارد، موافقان و مخالفانی وجود دارد (فاضلی، ۱۳۸۷، ص ۱۲۵).

۳-۴. گفت‌وگو با سکولار

در این رهیافت لیبرال که منجر به نوگرایی و تجدد در کشورهای اسلامی شد، خودمختاری در مناسک و نیایش‌ها و ابناء بر توافق و قرارداد مدنظر قرار گرفت و نوعی گفت‌وگو دموکراتیک بین مؤمنان غلبه پیدا کرد. ردیابی این لیبرالیسم، در مساجد آمریکا قابل ترسیم است که مثلاً نماز جمعه را در روز یکشنبه به جای جمعه اقامه می‌کنند، یا مرد و زن کنار یکدیگر نماز جماعت می‌خوانند و یا نماز جماعت بدون حجاب یا پیش‌نماز زن برای مردان و همچنین در ادامه با رویکردهای فمینیستی در مدیریت مساجد نیز روبرو می‌شویم که مثلاً در چین زنان برای خود مسجدی ساخته و همه امور توسط زنان اداره می‌شود و الگویی از روایت زنانه در حوزه مسجد جاری است (فاضلی، ۱۳۸۷، ص ۱۲۸).

۴-۴. گفت‌وگو با انقلابی

این رویکرد که متأثر از امام خمینی علیه السلام می‌باشد و به تفسیر و فقه سیاسی شیعه ارجاع داده می‌شود، به نقد اسلام سنتی و سکولار می‌پردازد. در نگرش امام خمینی، مسجد باید به کانون کنش‌های سیاسی و اجتماعی و مناسکی تبدیل شود. مشابهت با مساجد صدر اسلام و مخالف با مساجد پیش از انقلاب مدنظر ایشان بود (خمینی، ۱۳۶۸-۱۳۷۹، ج ۱۸،

صص ۶۷ و ۶۸). در این رویکرد، مسجد کارکردی اصلاحی برای جامعه و کنشگری نهادی در راهبری فرهنگ است. بر همین مبنا در ایام جنگ، مساجد به مراکز اشاعه ارزش‌های انقلابی و بسیج مردم برای دفاع، به‌مثابه کانونی مردمی تبدیل شدند (عزیزی، ۱۳۷۶، ص ۹۸).

۴-۵. مساجد پس از جنگ

با تغییرات سیاسی و اجتماعی و فرهنگی کشور بعد از جنگ و غلبه رویکردهای توسعه و نوسازی بدون توجه به پیوسته‌های فرهنگی و اقتضائات ایرانی - اسلامی و بومی از سویی و غلبه فرهنگ مدرن و تجدد در سرتاسر جهان و از جمله، بروز آسیب‌هایی همچون: طلاق، اعتیاد، سرقت، فرار از منزل و... را در جامعه به مسئله تبدیل کرد که رشد کمی آسیب‌ها در این مسئله‌سازی اهمیت وافر داشت. این دوره با کاهش جذابیت‌های اسلام سیاسی و گسترش ارزش‌های غیردینی و یا همان شیخون فرهنگی و اقبال کمتر قشر جوان، مساجد را عطف توجه به کارکردهایی تمدنی و تاریخی گذشته، مجدداً به کانون توجهات کشاند. توسعه بوروکراتیک ساختاری - سازمانی مساجد؛ مثل: پایگاه بسیج، کانون‌های فرهنگی - هنری، صندوق قرض الحسنه و فروشگاه‌های مصرف و کتابخانه‌ها و باشگاه‌های ورزشی در راستای پاسخ به همین معضله، مساجد را تغییر داد و البته این تحولات بی‌شک معارض عقلی و نقلی نداشته و درنهایت، در دایره مباحث قابل اجرا بود.

۴-۶. مسجد در دوره معاصر

دگرگونی‌های جهانی و ارزش‌ها، هنجارها و باورهایی که از جوامع گوناگون بعد از مدرنیته در قالب‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و محافل علمی و با ابزار تکنولوژی و رسانه وارد کشورهای غیرغربی شد، محیط معاصر حیات را متأثر کرد و تقریباً همه عناصر اجتماع را در بر گرفت؛ اگرچه خود این فرایندها نیز از فضاها بومی و محلی کشورهای مقصد متأثر شده و به شکلی ناب و خالص باقی نماند. بی‌تردید ایران کنونی، تفاوت‌های بی‌شماری با یک قرن گذشته دارد؛ به شکلی که

برخی قائلند؛ تحولات قرن اخیر به لحاظ کمی و کیفی با تغییرات کل تاریخ بشریت قابل مقایسه بوده و حتی وسعت مضاعف دارد. مطالعه جابجایی جمعیت شهری و روستایی و تغییر در الگوهای زندگی، تولید و مصرف، تحولات ارزشی و رفتاری و تغییر در کارکردهای نهادی بالاخص بعد از انقلاب، نیازمند تاملات دوگانه تاریخی و اجتماعی است. مذاقه در تاریخ، ما را به تمایزات شگرفی نسبت به دوران گذشته رهنمون می‌سازد که برایندهای جدیدی مثل تفکیک‌پذیری نهادی، عقلانیت، شهرنسنینی، صنعتی‌شدن، رشد فردیت و آزادی‌های اجتماعی، خاص‌بودگی شرایط اجتماعی را رقم زده است؛ به نحوی که هم سبک و شیوه زندگی و هم باورها و اعتقادات و نهادها متأثر شده‌اند. تبیین شرایط موجود و یافتن علت و چرایی مسئله مبنی بر اینکه متأثر از رنسانس اروپا باشد یا فروپاشی نظام‌های ارباب - رعیتی یا گسترش پوزیتیویسم و یا حتی انقلاب فرانسه و انقلاب صنعتی، تأثیری در شرایط حاکم ندارد و مورد بحث نگارنده نیست؛ اگرچه در تاملی تاریخ‌مندانه آغاز این تحولات به اروپای قرن هفدهم و تعمیم آن به جهان در قرن بیستم قابل ردیابی است. در ایران نیز این هجمه فکری و فرهنگی در دو سطح نخبگان دینی و سکولار قابل مشاهده است که طیفی درصدد دفع یا گُند کردن شتاب آن و عده‌ای نیز در تلاش برای تسریع بیشتر و البته برخی نیز در رویای تلفیق آن با زیست بوم ایرانی - اسلامی هستند. کارکرد اصلی مسجد، برقراری معنویت در جامعه و حفظ رابطه فرد با خداوند است. اینکه در صدر اسلام در زمان پیامبر و حضرت امیر علیه السلام در مساجد، کارهای مختلفی انجام می‌شده، به سبب نداشتن مکان مشخص برای امور بود و روایات فراوانی که نهی از بلند صحبت کردن در مساجد می‌کنند، با قضاوت یا امور نظامی در مساجد همخوانی ندارند (گله، ۱۳۹۷، صص ۶۵-۶۶).

۵. مدرنیته و کارکردهای مساجد

تقسیم کار شدید و تخصصی‌شدن مشاغل، سازمان‌ها و نهادها که با فرایند صنعتی‌شدن به اوج خود رسیده بود، منجر به تغییرات بنیادینی از سبک معماری و مدیریت تا

کارکردها و کاربردهای مساجد شد. لذا برخی از کارکردهای آموزشی و اجتماعی که مساجد به حیث تاریخی عهده‌دار آن بودند، از مساجد گرفته شد و به سازمان‌ها سپرده شد؛ اگرچه این رویه ثابت و یک‌دست و مطلق اعمال نشده است و در برخی کشورهای سکولار، شاهد تسهیلات و برنامه‌های آموزشی مساجد هستیم و یا در برخی کشورهای اسلامی مساجد، کارکردهای سیاسی نیز دارند، اما به شکل کلی، حذف کارکردهای اجتماعی، آموزشی و قضایی از مساجد و تقلیل آن به محلی برای نماز جمعه و اجتماعات و کارکرد صرفاً نیایشی همراه با هاله‌ای از تقدس، ورود کودکان و غیرمؤمنان را ممدوح نمی‌شمارد؛ در حالی که در گذشته چنین نبوده است. اقتضائات جامعه مدرن و رفاه و آسایش مطلوب آن در کنار درآمدزایی و محوریت سرمایه و اقتصاد، تکنولوژی صوتی، تجهیزات گرمایشی و سرمایشی، دستگاه‌های تهویه و دوربین‌های مداربسته را وارد مساجد کرد و همچون آپارتمان‌های آسمان‌خراش که حیات بیرونی را حذف و یا تبدیل به پاساژ و مغازه کردند، مساجد نیز گرفتار این استلزامات زندگی متجدد شدند؛ به طوری که گاهی دیگر، مسجد، نماد اسلام و هویت مسلمین نیست، بلکه نماد ساکنان آن منطقه است و حتی جامعه مدرن با حذف دوگانه امام - امت و جایگزینی آن با دولت - ملت، به سوی ناسیونالیزم و ملی‌گرایی و یا قومیت‌گرایی و رقابت‌های ملی، محلی و منطقه‌ای سوق داده شد؛ به شکلی که مساجد جامع و مرکزی نیز نماد هویت ملی شدند تا اسلام و چه بسا رقابت‌های محلی، منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی در کمیت و کیفیت و کارکردهای مساجد اثرگذار بود. شاید بتوان گفت؛ مساجد، تبدیل به تجلی تغییراتی شده بودند که جوامع اسلامی به سبب تجدد و در دوران گذار از سر می‌گذراندند، که خواسته یا ناخواسته آنها را نیز متأثر می‌کرد.

تحولات فکری و معرفتی در جهان و بسط سکولاریزم، معنای مقدس و تقدس و الهیات را نیز متفاوت کرد. مسجد، به مثابه مکانی مقدس، گویا در هر فرهنگی با دگردیسی معنایی تقدس، منجر به تغییر کارویژه‌ها و کارکردها شده است. به طور مثال، بعد از انقلاب اسلامی و با بازگشت دین به متن جامعه، مساجدی که در رژیم سابق، صرفاً کارکرد عبادی و نیایشی پیدا کرده بودند، کارکردهای متعددی پیدا کردند و

هم‌چنان که امروزه نیز به دلیل گسترش سبک زندگی مدرن و بوروکراسی مدرن، بسیاری از همان کارکردها کمرنگ و یا حتی منتفی شده‌اند.

اینکه بخش عمده‌ای از کارکردهای پیشین مسجد، به نهادهای عرفی و مدنی سپرده شده است و کارکرد مسجد، به کارکردهای نیایشی تقلیل یافته است، می‌تواند از منظر غیرفلسفی و البته انسان‌شناسانه به مخالفت نوسازی و تجدد با دین ناشی نشود، بلکه اصولاً تجدد و نوسازی در جهت ایجاد نهادهای تخصصی برای پاسخ‌دادن به نیازهای مردم است و بسیاری از کارکردهای پیشین مساجد امروزه به نهادهایی دیگر تحویل داده شده‌اند و لذا اگر مساجد بخواهند نقش اجتماعی مستقیم داشته باشند؛ اولاً، مجبور به محدود کردن این نقش‌های سابق خود هستند و ثانیاً، خود را به‌عنوان یکی از نهادهای عرضه‌کننده آن کارکرد و خدمات باید بدانند و ثالثاً، در همان حیطه نیز به شکل تخصصی باید عمل کنند، تا بتوانند در رقابت باقی بمانند. به‌طور مثال در فعالیت‌های فرهنگی در حوزه‌های سینما، تئاتر، موسیقی، هنرهای نمایشی و تجسمی که انواع نهادهای عرفی عهده‌دار آن هستند، مساجد اولاً، باید در نمایش‌های مذهبی یا خوش‌نویسی محدود شوند و ثانیاً، باید از حیث کیفیت به کار خویش ژرفا ببخشند (باقی، ۱۳۸۱، ص ۲۴۸). بنابراین، در امر خدمات اجتماعی؛ اگر مساجد بخواهند به آسیب‌های اجتماعی بپردازند، باید علاوه بر تخصص، نقش خود را در کنار سایر نهادهای موازی تعریف نمایند.

۶. تعارض کارکردهای مسجد با فرهنگ سرمایه‌داری معاصر

در ساختارهای فرهنگی مدرنیته، پول مقیاس ارزش‌هاست. در حالی که در اقتصاد سنتی، پول وسیله مبادله کالا بود، اکنون پول تبدیل به یک کالا و هدف سرمایه‌ای شده است که از سویی فردگرایی را تقویت می‌کند و از جهتی دیگر، ارزش را در افزودن و نه‌بخشیدن تعریف می‌کند. این فرهنگ؛ مثلاً با وقف ناسازگار است و در نتیجه، بسیاری از نهادهای مذهبی پشتوانه خود را از دست می‌دهند و لذا یا باید وابسته به سیاست‌های حاکم و قدرت‌های مالی و سیاسی شوند که استقلال و کارکردهای پیشین مضمحل

می‌شود و یا باید محو گردند (باقی، ۱۳۸۱، ص ۲۳۹ به نقل از: به نقل از: محمدی، ۱۳۸۱) این نمودی از تضاد فرهنگ مدرن و سنتی است که نهاد مدنی مسجد را در جامعه تضعیف می‌کند. در دوران غیبت امام، شاگردان مکتب اهل بیت علیهم‌السلام؛ یعنی عالمان متعهد و متخصص از مساجد به تبلیغ معارف اسلامی می‌پردازند و در سایه همین تلاش‌ها، بخش قابل توجهی از معارف و احکام اسلامی سینه‌به‌سینه تا به امروز منتقل شده است؛ اگرچه به‌لحاظ شدت و ضعف فشارهای سیاسی حکومت‌های متفاوت و سایر عوامل، میزان تلاش‌های علمی و فرهنگی در مساجد یکسان نبوده است. با این وجود، باید اعتراف کرد، مساجد مسلمانان در زمینه گسترش و آموزش فرهنگ اسلامی کاستی‌هایی دارد؛ زیرا برای جذب نسل جوان نباید به شیوه‌های سنتی رایج بسنده نمود، بلکه باید از ابزارهای نوین نیز بهره‌جوییم. متأسفانه ما هنر را بیشتر در معماری و بنای مسجد به کار می‌بندیم؛ حال آنکه از این ابزار باید برای آموزش، هدایت و تبلیغ بهره‌برداری کرد و لذا در سرتاسر کشورهای اسلامی با مساجد فراوانی مواجه می‌شویم که از نظر بنا، مجلل و آباد هستند، اما نشانی از هدایت و تربیت و گسترش فرهنگ اسلامی در آنها نیست (نوبهار، ۱۳۷۳، صص ۱۵۶-۱۵۷). در گذشته، مسجد کارکردهای وسیع‌تری داشت، اما امروزه در اثر ایجاد تغییرات در حوزه‌های مختلف، برخی کارکردهای خود را از دست داده است. علاوه بر اینکه، مساجد علاوه بر کارکردها و کاربری‌های فعلی بر اساس نیازهای روز، کارکردهای احتمالی هم می‌توانند داشته باشند که نیازمند گسترش فضای فیزیکی مسجد و استفاده از نیروهای متخصص و تشکیلات رسمی و تامین هزینه‌های مالی است (قربان‌زاده سوار، ۱۳۹۲، ص ۵۵).

۷. پاسخ به سؤالات پژوهش

۱) آیا دفع یا رفع آسیب‌های اجتماعی کارویژه یا کارکرد مساجد است؟ در صدر اسلام به جهت فقدان نهادهای تخصصی جهت پاسخ‌گویی به نیازهای جامع و همچنین عدم کثرت آسیب‌ها به حیث کمیت و تنوع، مساجد عهده‌دار کارکردهای متفاوتی می‌توانستند باشند و البته قطعاً کارویژه اصلی مساجد تبلیغ و آموزش معارف و

مناسک دینی بود که کارکرد پنهان آن دفع آسیب‌ها و مفساد اخلاقی و اجتماعی می‌باشد. اما در دوره معاصر مساجد بالاصاله این وظیفه را ندارند و رفع آسیب‌ها بالاصاله به عهده نهادهای تخصصی می‌باشد که در جامعه مدرن به وجود آمده‌اند.

۲) آیا مساجد موظف به پاسخ و ارائه راه‌حل به آسیب‌هایی هستند که جهان مدرن و تجدد آن را به وجود آورده است؟ حل آسیب‌های اجتماعی که جامعه مدرن و تجدد موجد آن است، بالاصاله به عهده مساجد نمی‌باشد و مساجد با شرایط فعلی صرفاً نقش پیشگیرانه به عهده دارند.

۳) آیا مساجد با امکانات حداقلی، توانمندی مقابله با آسیب‌های اجتماعی در طراز جهانی را دارد؟

مشارکت مساجد در ساحت کارکردی و مدنی و داوطلبانه در مقابله با آسیب‌های اجتماعی، نیازمند تمهیدات و امکانات مادی و انسانی است. در حالی که آسیب‌های اجتماعی با قوت و شدت و از مجرای انواع رسانه‌ای مدرن به جهان سرازیر شده؛ توقع مقاومت یا مبارزه با امکانات فعلی مساجد منطقی نمی‌باشد و نیازمند تجهیز مساجد از منظر کارکردی است.

نتیجه‌گیری

مساجد به‌عنوان رکن نمادین دین و دینداری در جوامع مسلمان و غیرمسلمان، در طول تاریخ دستخوش تغییرات کارکردی عدیده‌ای شده‌اند و البته کارویژه معارفی و مناسکی آنها ثابت مانده است. این کارکردها می‌توانند آشکار یا پنهان باشند و در جهت رفع و دفع آسیب‌های اجتماعی آشکار گردند. در جامعه معاصر ایران؛ بالاخص بعد از انقلاب و با بازگشت سیاست به کانون توجهات، مساجد نیز کارکردهای ویژه‌ای یافتند که مدت‌ها در انزوا بود. در ادامه با تأسیس نهادهای تخصصی متعدد و مرتبط با آسیب‌های اجتماعی، دوباره این کارکردها کمرنگ شد و بسیاری از وظایف و کارکردهای مساجد به بخش‌های دیگر منتقل شد. به نظر می‌رسد، مساجد فعلی که از حداقل امکانات برای مواجهه با انواع آسیب‌ها مواجه‌اند؛ اگر ضرورتاً قرار باشد عهده‌دار این مسئولیت

باشند، نیازمند توجه ویژه می‌باشند تا در رقابت و مبارزه کارایی لازم را داشته باشند. در حالی که جهان معاصر و نیز جامعه ایران، دستخوش انواع تهاجمات فرهنگی با ابزار رسانه‌های نوین است که برآیند آن، انواع آسیب‌های اجتماعی است، صرفاً با تکیه بر وعظ و خطابه در مساجد نمی‌تواند مانع این سیل سهمگین شد. وقتی فرهنگ غالب جهانی، قدرت اجرایی دین را در قالب سکولاریزم به حداقل رسانده است، مساجد نیز ذیل آن، از این اتفاق متأثر شده‌اند؛ بنابراین، توقع از مساجد، تکلیف به‌مالایطاق است. اگر مساجد به‌عنوان نماد تفکر و محوریت توحید در جامعه و سبک زندگی طنین‌انداز می‌شد، قطعاً در چنین وسعتی با انواع آسیب‌ها مواجه نبودیم و شکاف بین جامعه و مسجد که قدرت دفع آسیب‌ها را از مساجد بود، ایجادکننده آسیب‌هایی شد که رفع آن بسیار پیچیده و تخصصی است. بنابر آنچه گفته شد، پیشنهادات زیر قابل ارائه است:

۱. تمرکز بر تأسیس نهادهای (بومی) ایرانی - اسلامی برای تعریف، شناخت و حل آسیب‌های اجتماعی؛
۲. تمرکز بر مساجد به‌عنوان نهاد دینی پیشگیرانه از آسیب‌های اجتماعی؛
۳. تشکیل کانون و حلقه‌های نخبگانی متشکل از روان‌شناسان، مشاوران خانواده و آسیب‌شناسان اجتماعی برای سیاست‌گذاری کلان و برنامه‌ریزی پیش‌گیرانه در مساجد؛
۴. حمایت مادی، انسانی و تجهیز مساجد برای مبارزه و مواجهه با آسیب‌ها در صورت فقدان پاسخ‌گویی نهادهای تخصصی؛
۵. تربیت و آموزش ائمه‌جماعت و توانمندسازی آنها به راه‌کارهای مقابله با آسیب‌ها؛
۶. توجیه هیات‌امنا و متولیان پیش‌کسوت، مساجد نسبت به شرایط جدید مسجد و جامعه.

فهرست منابع

۱. باقی، عمادالدین. (۱۳۹۲). پرستشگاه در عهد سنت و تجدد (به نقل از مقاله: مجید محمدی). تهران: سرایی.
۲. حیدری، حسین؛ روحانی، جوادی؛ و ایزدی، فائزه. (۱۳۹۲). دگرگونی یا ایستایی پارادایم‌های جامعه‌شناسی دین. مجله ماه دین، (۱۹)، صص ۸۷-۹۵.
۳. شجاعی‌زند، علیرضا. (۱۳۸۰). دین، جامعه و عرفی‌شدن. تهران: نشر مرکز.
۴. عزیزی، عباس. (۱۳۷۶). فضایل و آثار مسجد در آینه قران و حدیث. قم: نشر نبوغ.
۵. فاضلی نعمت‌الله. (۱۳۸۷). مدرن یا امروزی‌شدن فرهنگ ایران. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۶. قربان‌زاده سوار، زهرا. (۱۳۹۲). مسجد، راه‌های بسط کاربری و ارتقای جایگاه. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
۷. گله، مرتضی. (۱۳۹۷). دین، مسجد و قانونگذاری (در مصاحبه با: احمد عابدی). تهران: مرکز تحقیقات اسلامی مجلس.
۸. محرمی، غلامحسین. (۱۳۷۹). نقش مسجد در جامعه اسلامی. قم: نشر یمین.
۹. معیدفر، سعید. (۱۳۷۹). جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی معاصر ایران. تهران: سرزمین ما.
۱۰. موسوی خمینی، روح‌الله. (۱۳۶۲). صحیفه نور (ج ۱۸). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۱۱. نوبهار، رحیم. (۱۳۷۳). سیمای مسجد (ج ۲). قم: نشر کوثر.
۱۲. همیلتون، ملکم. (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی دین (مترجم: محسن ثلاثی). تهران: نشر ثالث.
13. Finke, R. and Rodney. S. (2003). *The Dynamics of Religious Economies*. in Dillon, M. Handbook of the Sociology of Religion Cambridge university press.
14. Becker, H. (1932). *Systematic sociology*. New York.

References

1. Azizi, A. (1376 AP). *Virtues and effects of the mosque in the mirror of Quran and Hadith*. Qom: Nobough Publications. [In Persian]
2. Baghi, E. (1392 AP). *Temple in the era of tradition and modernity* (from the article: M. Mohammadi). Tehran: Saraei. [In Persian]
3. Becker, H. (1932). *Systematic sociology*. New York.
4. Fazeli, N. (1387 AP). *Modern or Modernization of Iranian culture*. Tehran: Research Institute for Cultural and Social Studies. [In Persian]
5. Finke, R., & S. Rodney. S. (2003). *The Dynamics of religious Economies*. in Dillon, M. Handbook of the Sociology of Religion Cambridge university press.
6. Galeh, Morteza. (1397 AP). *Religion, Mosque and Legislation* (in an interview with: A. Abedi). Tehran: Iranian Parliament Islamic Research Center. [In Persian]
7. Ghorbanzadeh Savar, Z. (1392 AP). *Mosque, ways to expand the use and upgrade the status*. Tehran: Institute of Culture, Art, and Communication. [In Persian]
8. Hamilton, Malcolm. (1389 AP). *Sociology of Religion* (M. Salasi, Trans.). Tehran: Nashr-e-Thaleth. [In Persian]
9. Heidari, H., & Rouhani, J., & Izadi, F. (1392 AP). Transformation or static paradigms of the sociology of religion. *Journal of the Month of Religion*, (19), pp. 87-95. [In Persian]
10. Moeidfard, S. (1379 AP). *Sociology of Contemporary Social Issues in Iran*. Tehran: Sarzamin Ma. [In Persian]
11. Mousavi Khomeini, R. (1362 AP). *Sahifeh Noor*. Tehran: The Institute for Publishing and Preparing Imam Khomeini's Works. [In Persian]
12. Muharrami, Q. (1379 AP). *The role of mosque in Islamic society*. Qom: Yamin Publications. [In Persian]
13. Nobahar, R. (1373 AP). *The appearance of the mosque* (vol. 2). Qom: Kowsar Publications. [In Persian]
14. Shojaei zand, A. (1380 AP). *Religion, society, and secularization*. Tehran: Markaz Publications. [In Persian]